# فهرست

پیشگفتار 5

فصل اول: سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی

تعریف سفرنامه 11

سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی 13

سفرنامه‌های حج فارسی 16

سفرنامه‌نویسی در ادبیات عربی 19

سفرنامه‌های حج عربی 22

فصل دوم: تاریخ ایران از دورۀ قاجار تا پهلوی اول

دورۀ قاجار 28

دوران پهلوی اول و مهم‌ترین اقدامات رضا شاه در ایران 38

اقدامات سیاسی رضا شاه 38

اقدامات اقتصادی رضا شاه 39

اقدامات فرهنگی رضا شاه 40

فصل سوم: مروری بر تاریخ معاصر عربستان

تاریخ معاصر عربستان 42

مهم‌ترین‌ اقدامات ملک عبدالعزیز در مسیر مدرنیسم 49

مروری بر پیشینۀ روابط ایران و عربستان 51

فصل چهارم: سفرنامه‌های حج فارسی

معرفی سفرنامه‌نویسان 57

سید احمد هدایتی 57

سید فخرالدین جزایری 60

لطفعلی‌خان اعلایی 62

تحلیل و بازخوانی سفرنامه‌های حج فارسی 64

شرح دشواری‌های سفر 64

توصیف شرایط اقلیمی و جغرافیایی 79

ارائۀ تصاویر فرهنگی 81

اشاره به اوضاع سیاسی کشورها 93

انتقاد از خود 104

توصیف مناسک حج 113

گفتمان دینی 123

گرایش‌های ملی و میهنی سفرنامه‌نویسان 137

جمع‌بندی فصل 155

فصل پنجم: سفرنامه‌های حج عربی

معرفی سفرنامه‌نویسان 158

شکیب ارسلان 158

محمدحسین هیکل 162

محمد لطفی جمعه 166

تحلیل و بازخوانی سفرنامه‌های حج عربی 169

شرح دشواری‌های سفر 169

توصیف شرایط اقلیمی و جغرافیایی 180

ارائۀ تصاویر فرهنگی 183

اشاره به اوضاع سیاسی کشورها 212

انتقاد از خود 222

توصیف مناسک حج 245

گفتمان دینی 272

گرایش‌های ملی و میهنی سفرنامه‌نویسان 303

جمع‌بندی فصل 335

سخن آخر 339

منابع 343

# پیشگفتار

سفر از دیرباز یکی از راه‌های انسان برای پاسخ‌گویی به نیاز فطری او برای دانستن و کشف ناشناخته‌ها بوده است. سفر بهترین راه برای آشنایی با ملت‌ها، فرهنگ و تمدن اقوام دیگر، زدودن خستگی و فرسودگی جسمی و روحی، پی‌بردن به عظمت آفرینش، پالایش نفس و خودسازی است. مهم‌ترین‌ انگیزه‌های سفر از گذشته تاکنون عبارت بوده‌اند از: انگیزه‌های علمی، سیاسی، دینی، فرهنگی، گردشگری و درمانی. رونق سفرها و علاقه‌مندی انسان به سفر، دستاورد فرهنگی ـ ادبی ارزنده‌ای به‌نام ادبیات سفرنامه‌ای را درپی داشته است.

به فراخور تنوع سفرها، طبیعی است که سفرنامه‌های گوناگونی نیز به‌وجود آمده باشد، مانند سفرنامه‌های علمی، گردشگری و دینی. یکی از انواع سفرها سفرهای دینی است که پیشینه‌ای بسیار دیرینه دارد. امروزه سفر حج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و، درعین‌حال، باشکوه‌ترین سفرهای دینی به‌شمار می‌آید که، افزون بر بُعد دینی، با مسائل سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی نیز پیوند خورده است. حج همچنین یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های ارتباطی میان‏فردی و میان‏فرهنگی امت اسلامی است كه برپایۀ صلح و امنیت و فارغ از همۀ ملاک‌های مادی مانند نام، شغل، تابعیت، ملیت، نژاد، لباس، ثروت و قدرت برگزار می‏شود. ازآنجایی‌که یکی از مهم‌ترین‌ دستاوردهای این سفر تحقق‌بخشیدن به آرمان وحدت امت اسلامی است، سفر حج همواره در کانون توجه جوامع اسلامی قرار داشته و، به تبع آن، بخشی از تولیدات فرهنگی و ادبی آنان را به خود اختصاص داده است. ازسویی دیگر، ازآنجایی‌که سفرنامه‌نویسان از ملیت‌های متفاوت و با پیشینۀ فرهنگی متمایز رهسپار این سفر می‌شوند، طبیعی است که هرکدام، در طول این سفر و در انجام مناسک حج، از زاویه‌ای متفاوت بدان نگریسته باشند. از این منظر، مطالعۀ این دست متون و مقایسۀ آن‌ها با هم، در کنار مطالعۀ بسترهای تاریخی و اجتماعی آن‌ها، می‌تواند یافته‌های ارزشمندی را در این حوزه بازیابی کند. افزون براین، مطالعۀ تطبیقی این آثار می‌تواند ابعاد بیشتری از روابط تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را در مواجهه با یکدیگر تبیین و ریشه‌یابی کند. بنابراین، یکی از فواید مطالعۀ تطبیقی سفرنامه‌ها این است که، از خلال آن، می‌توان به تصویرشناسی ملت‌ها در ادبیات یکدیگر دست یافت. بازنگری و بازخوانی سفرنامه‌ها به‌عنوان اسنادی مهم در شناخت هویت ملت‌ها می‌تواند ما را در شناخت ریشه‌های سوءتفاهمات موجود، که میان آن‌ها شکل گرفته، یاری کند. در کنار آنچه دربارۀ اهمیت سفرنامه‌ها بیان شد، جست‌وجوهای انجام‌گرفته حاکی از آن است که، ازنظر مقایسه‌ای، تاکنون پژوهشی میان سفرنامه‌های فارسی و عربی انجام نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسۀ سفرنامه‌های حج عربی و فارسی مربوط به سال‌های 1330ـ1360ق اختصاص یافت.

لازم به توضیح است که دورۀ یادشده در ایران مصادف با سال‌های واپسین عصر قاجار و آغاز دورۀ پهلوی اول است که تاریخ ایران شاهد حوادث و تحولات مهمی بوده که عبارت‌اند از:جنگ جهانی اول، تجاوز نظامی روسیه به ایران، تجاوز دولت عثمانی به تبریز، مشکلات شدید اقتصادی، ناامنی و درگیری‌های حزبی. این در حالی است که، ازنظر فرهنگی، مدرن‌سازی و، به‌عبارتی تقابل سنت و مدرنیسم، ملی‌گرایی و مسئلۀ هویت، مهم‌ترین‌ مسائل این دوره از تاریخ ایران است.

سفرنامه‌های عربی برگزیده نیز مربوط به آغاز دورۀ حاکمیت قطعی آل ‌سعود به رهبری عبدالعزیزبن عبدالرحمان (1350ق/ 1932م) بر سرزمین عربستان و، به تبع آن، تشکیل کشور یکپارچۀ عربستان سعودی است. از این زمان به بعد، کشور عربستان شاهد تحولات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. مدرن‌سازی و تسلط اندیشۀ وهابیت بر این کشور مهم‌ترین تحولات این برهه از تاریخ عربستان است. از وقایع مهم این دوره فتح حجاز بود که با کشتار وسیع مردم و نابودی اماکن متبرکه و زیارتگاه‌های ائمۀ اطهار (ع) همراه بود.

مروری بر تاریخ ایران و کشورهای عربی نشان می‌دهد مدرن‌سازی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی فرهنگی این دوره سبب به‌وجودآمدن فضای تاریخی و فرهنگی تقریباً مشابهی در دو کشور شده است. این فضا که در نتیجۀ برخورد با دنیای غرب به‌وجود آمده بود زمینه را برای گسترش رابطۀ شرق و غرب بیش‌ازپیش مهیا ساخت. اقبال روزافزون به سفر و، به تبع آن، شکل‌گیری انواع سفرنامه‌ها یکی از دستاوردهای این دوره است. در ادبیات فارسی، اوج سفرنامه‌نویسی مربوط به عصر قاجار است که به‌ویژه سفرنامه‌های حج فراوانی به نگارش درآمد، به‌طوری که رسول جعفریان «ادبیات حج» را مولود این دوره می‌داند. افزون بر این، تحول فضای فکری و فرهنگی عصر قاجار، در کنار علاقه‌مندی شاهان قاجاری به تاریخ‌نویسی، سبب ایجاد تحول در سبک‌های تاریخ‌نگاری و ازجمله سفرنامه‌نویسی شد. بدین معنا که تاریخ‌نگاری از حالت گزارش صرف خارج و با نقد همراه شد. در این فضا، درکی مضاعف از «کاستی‌ها» در اذهان سفرنامه‌نویسان شکل گرفت و زمینۀ مقایسۀ «خود» با «دیگری» در سفرنامه‌ها به‌وجود آمد.

دورۀ موردِ بحث، یعنی اواخر قاجار و اوایل پهلوی، ازنظر گفتمان‌های هویتی نیز قابل‌توجه است. با عنایت به مراحل شکل‌گیری گفتمان‌های هویتی در تاریخ ایران، این برهۀ زمانی مطابق با مرحلۀ اول شکل‌گیری گفتمان هویتی در ایران است که در نتیجۀ برخورد با غرب و رواج اندیشۀ تجددخواهی به‌وجود آمده و به دورۀ «پیدایش مسئلۀ هویت و نفی خود» موسوم است. مهم‌ترین ویژگی این دوره پیدایش اندیشۀ ناسیونالیستی (ملی‌گرایی) و تعارض با هویت بومی و اسلامی است. غلبۀ این گفتمان بر فضای فکری روشنفکران و اندیشمندان این دوره سبب ایجاد برخی شاخصه‌های فرهنگی مانند باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی شد.

در جهان عرب نیز از قرن سیزدهم هجری به بعد که به «عصر نهضت» موسوم است، به سبب گسترش ارتباط جهان عرب با دنیای غرب، سفر از رواج چشمگیری برخوردار شد. رفاعه طهطاوی یکی از سفرنامه‌نویسان برجستۀ عرب و، درعین‌حال، یکی از پیشگامان تحول نثر عربی در این دوره است. از دیگر سفرنامه‌نویسان معروف این دوره می‌توان به محمدحسین هیکل، شکیب ارسلان، امین الریحانی، ابراهیم عبدالقادر المازنی و زکی مبارک اشاره کرد. در این تحقیق، سه سفرنامه معاصر فارسی و سه سفرنامه معاصر عربی با توجه به شاخص­هایی مانند جایگاه نویسندگان، حجم سفرنامه­ها و زمان نگارش انتخاب شده است که عبارت‌اند از:

**فارسی**: 1. سفرنامۀ سید احمد هدایتی (1338ق)؛ 2. سفرنامۀ سید فخرالدین جزایری (1340ق) و 3. سفرنامۀ لطفعلی‌خان اعلائی (1348ق). **عربی**: 1. سفرنامۀ شکیب ارسلان با عنوان *الارتسامات اللطاف في خاطر الحاج إلی أقدس مطاف* (1349ق)؛ 2. سفرنامۀ محمدحسین هیکل با عنوان *في منزل الوحي* (1355ق) و 3. سفرنامۀ محمد لطفی جمعه با عنوان *الأیام المبرورة في البقاع المقدسة* (1359ق).

در ارتباط با پیشینۀ پژوهش نیز باید توجه داشت که پژوهش‌های مرتبط با سفرنامه‌های حج، که تا پیش از این انجام شده، دارای دو رویکرد کلی هستند: الف) معرفی کلی و اجمالی سفرنامه‌ها؛ ب) تحلیل موضوعی و محتوایی سفرنامه‌ها. آثار مرتبط با رویکرد اول (معرفی کلی و اجمالی سفرنامه‌ها) با هدف آشناساختن مخاطب با سفرنامه‌های موجود انجام شده و بیشتر صبغۀ گزارشی دارد تا پژوهشی. آثار مرتبط با رویکرد دوم یعنی آثاری که به تحلیل محتوایی سفرنامه‌ها پرداخته‌اند، اگرچه در مقایسه با دستۀ اول ازنظر پژوهشی قوی‌ترند، بیشتر به استخراج و دسته‌بندی موضوعات مطرح‌شده در سفرنامه‌ها (مانند اطلاعات راه‌ها، دشواری‌های سفر، تعداد حجاج، متولیان سفر حج، ملزومات سفر، اوقات فراغت، برخی مسائل فقهی سفر و به‌ندرت مسائل سیاسی و فرهنگی) اکتفا کرده‌اند. بنابراین، بازخوانی و تحلیل مقایسه‌ای ابعاد جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، دینی و هویتی مطرح در سفرنامه‌های حج مهم‌ترین جنبۀ نوآورانه این پژوهش است.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش از کتاب ارزشمند دکتر رسول جعفریان با عنوان *سفرنامه‌های حج قاجاری* به‌عنوان منبع سفرنامه‌های فارسی و نیز منبع اصلی زندگی‌نامۀ سفرنامه‌نویسان ایرانی استفاده شده و مبنای ارجاعات قرار گرفته است. امید است که اثر پیش رو بتواند اطلاعات نو و ارزشمندی را در حوزۀ فرهنگ اسلامی و به‌ویژه سفر روحانی حج در اختیار جامعۀ علمی کشور، دست‌اندرکاران و متولیان امور حج و عموم علاقه‌مندان به پژوهش‌های فرهنگی قرار دهد.

**معصومه نعمتی قزوینی**

**بهمن 97**

# فصل اول

# سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی

## تعریف سفرنامه

سفرنامه گونه‌ای ادبی است که نویسنده در آن دریافت‌ها و خاطرات سفر خود به سرزمین‌های گوناگون مانند عادات، اخلاق، مناظر طبیعی را گردآوری و ثبت می‌کند. (وهبه و مهندس، 1984: 16)

سفرنامه به‌عنوان یکی از انواع ادبی منثور با انواع دیگری، مانند داستان و سیره، دارای برخی مشابهت‌هاست (محمد بادشاه، 2013: 34). برخی سفرنامه‌ها را در زمرۀ خاطره‌نویسی به‌شمار می‌آورند. خاطره، به‌عنوان یکی از گونه‌های زندگی‌نامه یا سیره، نوشته‌ای است روایی که پدیدآورندۀ آن با آگاهی و اراده به شرح احوال، حوادث و رویدادهای گذشته ــ که به هر علتی در ذهنش برجسته شده یا برجا مانده ــ می‌پردازد. با وجود این، سفرنامه‌ها با خاطرات دارای برخی تفاوت‌ها هستند که عبارت‌اند از:

ـ نویسنده در سفرنامه، برخلاف خاطره‌نویسی، کمتر از خودش سخن می‌گوید و بیشتر به دیگران و شرح ماجراها و اماکنی که دیده می‌پردازد.

ـ در سفرنامه‌ها، همۀ مطالب در بستر سفر رخ داده، اما در خاطره‌نویسی لزوماً این‌ طور نیست.

ـ قصد نویسنده در سفرنامه نوشتن خاطرات نیست، هرچند در ضمن سفرنامه خاطرات فراوانی هم نقل می‌شود. (ایروانی، 1386: 81ـ82)

سفرنامه با علوم دیگری مانند جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی و ادبیات در ارتباط است. سفرنامه‌ها به هر شکل و زبان یا توسط هر لایۀ اجتماعی‌ای که شکل گرفته باشند دارای دو کارکرد عمدۀ زیر هستند: 1. ساختار ذهنی و زبانی سفرنامه‌نویس را آشکار می‌کنند. 2. اسناد تاریخی و اجتماعی ارزشمندی را روایت می‌کنند. (کراچی، 1381: 8)

سفرنامه‌ها، از آغاز تاکنون، به گونه‌های مختلفی روایت شده‌اند مانند نظم، نثر، کوتاه و بلند، واقعی و تخیلی. سفرنامه‌ها گاه عنوان صریح سفرنامه را بر خود دارند و گاه در قالب داستان‌های تخیلی و رمان‌ها خود را بازتاب می‌دهند. کاربست عنصر تخیل در ادبیات سفرنامه‌های شرق و غرب متفاوت است. در غرب، رمان‌های تخیلی مانند *سفر گالیور* و *شازده کوچولو* یا داستان‌های علمی ـ تخیلی مانند داستان‌های ژول ورن را رقم می‌زند و، در ادبیات شرق، اغلب صبغه‌ای عرفانی به خود گرفته و سفرهای روحانی مانند *منطق‌الطیر* و *ارداویرافنامه* را به‌تصویر می‌کشد. (رضوانیان، 1389: 177)

«سفرنامه گزارشی خشک و بی‌روح نیست که شامل اطلاعاتی گوناگون باشد، بلکه پرده‌ای است پرنقش و متحرک و برجسته که در آن باغ‌ها پرطراوت است و درخت‌ها در رقص و حرکت، میوه‌ها آبدار، بیابان‌ها خشک و سوزان و پرگردوغبار است و بادها بر صورت‌ها سیلی‌زنان می‌گذرند. مردم در شهرها در تلاش زندگانی دیده می‌شوند. نمونه‌های هنر معماری اعجاب‌انگیز است. کالاهای شهرها خواننده را همراه مسافر به بازارها می‌برد و در هرجا با قیافه‌ها و طبقات مختلف و آداب‌ورسوم گوناگون روبه‌رو و با آنان آشنا می‌شود». (همان: 178)

ازآنجایی‌که سفرنامه‌ها دربردارندۀ انبوهی از اطلاعات جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی مربوط به دوره‌های مختلف هستند، می‌توانند دست‌مایه‌ای پربار برای دانشمندان علوم گوناگون و حتی پژوهشگران ادبی به‌شمار آیند. افزون بر این، یکی از فواید سفرنامه‌ها جنبۀ تعلیمی آن است. بدین معنا که سفرنامه‌ها می‌توانند، با ارائۀ تصاویری از تمدن یک منطقه در دوره‌ای مشخص، شناخت و درک خوانندگان از آن جامعه را افزایش دهند. هرچند امروزه ابزار نوین تحقیق و مطالعه نسبت به سفرنامه‌ها می‌تواند شناخت گسترده و دقیق‌تری از یک سرزمین یا یک دورۀ معین در اختیار خواننده قرار دهد، این وسایل و ابزار، با وجود اهمیتی که دارند، برای شناخت آن منطقه یا دوره کافی به‌نظر نمی‌رسد؛ چراکه گاهی، به علت نبود شواهد انسانی، مطالعه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده با دشواری همراه است. در این شرایط، تنها سفرنامه‌ها هستند که از چنین امتیازی برخوردارند؛ زیرا توسط کسانی به نگارش درآمده‌اند که در آن منطقه یا مرحله زیسته و حوادث تلخ و شیرین آن را عیناً تجربه کرده‌اند. (محمد بادشاه، 2013: 35ـ36)

سفرنامه‌ها به هر غرضی که نوشته شده باشند، به‌عنوان متونی مردم‌شناسانه، بر آگاهی و شناخت هر ملت از پیشینۀ فرهنگی خویش و نیز سایر جوامع می‌افزاید. سفرنامه‌ها، هرچند کاملاً از اغراض شخصی یا صنفی سفرنامه‌نویس یا تعصبات خودی و غیرخودی تهی نیستند، حتی در بدترین حالت نیز گاه پرده از حقایقی برمی‌دارند که پیشینۀ رفتارهای فعلی و روند شکل‌گیری وضع کنونی یک ملت را نشان می‌دهد. (علی صوفی، 1391: 24)

## سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی

سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی پیشینه‌ای کهن دارد. ایرانیان از دیرباز، با انگیزه‌های مختلف مادی و معنوی، راهی سفر می‌شده‌اند که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: طلب علم، خودشناسی، شناخت جهان، انجام اعمال عبادی مانند جهاد و حج، ترک دنیا و متعلقات آن، تجارت و تفرج و سرگرمی. (شهری، 1394: 7ـ9)

براساس آنچه در اسناد کهن دربارۀ وجود راه‌های سیاسی ـ بازرگانی، کاروانسراها، میل‌های راهنمایی، جادۀ ابریشم ذکر شده است، می‌توان دریافت که میان تمدن‌های کهن ارتباطات بازرگانی ـ سیاسی وجود داشته است. با وجود این، غیر از شرح‌های مختصری از سفرها که در متون سغدی و میانۀ مانوی و پهلوی برجامانده، سفرنامه‌های مشخص و مستقلی از دوران پیش از اسلام در ایران وجود ندارد. درواقع، مسافرت هیئت‌های مبلغان مذهب مانوی به خراسان، روم، مصر و چین یا سفر برزویۀ طبیب به هندوستان در زمان انوشیروان در متون پهلوی را می‌توان گونه‌ای از سفرنامه به‌شمار آورد. در دوران بعد از اسلام نیز مسافرت‌ها عموماً به قصد زیارت اماکن مذهبی، تحصیل علوم دینی یا به انگیزۀ تجارت رخ می‌داد که به صورت مجموعه‌ای از اطلاعات جغرافیایی و گزارشی مفصل از جزئیات سفر تدوین می‌شد. (کراچی، 1381: 16)

کتاب *المسالک و الممالک،* که گزارش چهار سال سفر ابواسحاق ابراهیم اصطخری (نیمۀ دوم قرن 3ق) به سراسر ایران و به‌خصوص منطقۀ فارس است، یکی از اولین نمونه‌های این‌گونه از سفرنامه‌ها به‌شمار می‌رود. با وجود این، به‌طور کلی اولین سفرنامۀ مشهور در ادبیات فارسی متعلق به ناصرخسروست که در قرن پنجم قمری نگاشته شده است. این سفر گزارش سفر هفت‌سالۀ نویسنده از زادگاهش خراسان به مصر و بازگشت به وطن است که اطلاعاتی دقیق و گران‌بها از جغرافیا، تاریخ و فرهنگ سرزمین‌های گوناگون ارائه می‌دهد. (رضوانیان، 1389: 178)

از قرن سوم تا هفتم قمری، هرچند به سبب رشد اقتصادی و فرهنگی، در جوامع شرقی، سیر و سفر رواج داشته، اما نوشتن سفرنامه مرسوم نبوده و، به همین علت، تنها چهار سفرنامۀ فارسی از این پنج قرن برجا مانده که عبارت‌اند از:

ـ سفرنامۀ *أخبار الصین و الهند* نوشتۀ سلیمان تاجر (235ق)

ـ سفرنامۀ ناصرخسرو (437ـ444ق)

ـ مثنوی *تحفة العراقین* اثر خاقانی (554ق)

*ـ حجازیة* اثر ابوالأشرف حسینی یزدی (757ق)

در دوره‌های مغول، تیموری، صفویه، افشاریه و زندیه هم، به دلیل شرایط خاص سیاسی، سفرنامه‌های قابل‌ذکری نوشته نشد؛ بدین معنا که در مدت پنج قرن تنها سیزده سفرنامه نوشته شده است! (کراچی، 1381: 17)

در دوران صفویه، به سبب بی‌علاقگی شاهان به شعر فارسی و برخی دیگر از عوامل، تعداد زیادی از شاعران ایرانی به هند مهاجرت کردند، اما کمتر کسی به نوشتن سفرنامه رغبت نشان داد و تنها به‌تصویرکردن تجربه‌های خود در اشعارشان پرداختند. در هند، که تفرجگاه اهل ذوق و ادب ایران آن زمان بود، ذوق شعرگویی بیش از سفرنامه‌نویسی بود و علت تعداد اندک سفرنامه‌ها در این دوره نیز همین است. (صفا، 1363: 491ـ497)

برخلاف دورۀ قبل، به‌طور کلی ادبیات در عصر قاجار از جایگاه خوبی برخوردار بوده است. غیر از آقا محمدخان قاجار، بقیۀ شاهان همگی دوستار شعر و ادب بوده و حتی برخی از آنان مانند ناصرالدین شاه یا فتحعلی ‌شاه خودشان هم شاعر بوده‌اند. شعرا و نویسندگان در عصر قاجار جزء طبقۀ روشنفکر جامعه به‌شمار می‌رفتند و با اعیان و اشراف در تماس بودند. بیشتر شاعران هرساله از دربار حقوق و مستمری دریافت می‌کردند. با وجود این، ادبیات ایران، تا پیش از دورۀ فتحعلی ‌شاه، تقریباً در دورۀ رکود قرار داشت. اما از این دوره به بعد رونقی تازه یافت و کم‌کم به «عصر نهضت» وارد شد. این دوره، که به دورۀ «بازگشت ادبی» هم موسوم است، سرآغاز بازگشت ادبیات به شیوه‌های پیشین یعنی شاعرانی چون سعدی، نظامی، حافظ و خاقانی است. (تاجبخش، 1382: 258)

تاریخ‌نگاری، که سفرنامه‌ها جزئی از آن محسوب می‌شد، در این دوره رونق فراوانی یافت. به دلیل علاقه‌مندی شاهان قاجار به تاریخ‌نگاری، این علم هم ازنظر کمّی و هم ازجهت کیفی متحول شد. (قدیمی قیداری، 1393: 13)

در دورۀ قاجار، به‌ویژه در دورۀ سلطنت ناصرالدین شاه، سفرنامه‌نویسی رونق فراوانی یافت. ازآنجایی‌که این سفرنامه‌ها حاوی اطلاعاتی از تاریخ و احوال ملل دیگر بوده، به نوبۀ خود به تحول تاریخ نویسی در ایران کمک کرد. علل گرایش سیاحان به نگارش سفرنامه در این دوره عبارت‌اند از: 1. درک اهمیت و ضرورت شناخت تاریخ و احوال مردم دنیا؛ 2. تقلید از سفرنامه‌نویسان غربی؛ 3. تفنن و سرگرمی. (پرتوی مقدم، 1386: 11)

در دورۀ قاجار، علاوه‌بر سفرنامه‌های فراوانی که نویسندگان غیرایرانی دربارۀ ایران زمان قاجار نوشته‌اند، خود ایرانیان هم سفرنامه‌ها و خاطرات فراوانی از خود برجا گذاشته‌اند که برخی از آن‌ها به اوضاع داخلی ایران و بعضی به خارج از ایران اختصاص دارد. درواقع، این حرکت به پیروی از آثار مشابهی بود که برخی از غربیان، از قرن چهاردهم میلادی به این سو، تحت عنوان سفرنامه نوشته و به‌مرور در هند و ایران در دسترس ایرانیان قرار گرفته بود. (علی صوفی، 1391: 22)

از دوران قاجار، به علت لزوم آشنایی بیشتر با تمدن غرب، سفر و سفرنامه‌نویسی رونق فراوانی یافت. غرب مهم‌ترین مقصد سفرهای این دوره بود که با هدف آشنایی با دنیای غرب صورت می‌گرفت، هرچند در کنار سفرهای آن، سفرهای سیاسی، مذهبی، تجاری و گردشگری نیز به‌طور گسترده‌ای انجام می‌شد. نخستین سفرنامۀ اروپا و امریکا در همین دوره نوشته شد. درهرحال، انگیزۀ سفر در دورۀ قاجار هرچه بود سبب شد که بیشترین تعداد سفرنامه‌های فارسی در این دوره نوشته شود؛ یعنی از مجموعۀ هفتصد سفرنامۀ فارسی حدود دویست سفرنامه مربوط به دورۀ قاجار است. (کراچی، 1381: 19ـ20)

### سفرنامه‌های حج فارسی

یکی از مهم‌ترین سوژه‌ها برای نگارش سفرنامه، در گسترۀ ادبیات جهانی، سفر به خانۀ خدا بوده است. سفرنامه‌های حج گنجینه‌های پایان‌ناپذیری برای شناخت بسیاری از مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تمدنی است که می‌تواند منبعی مورد توجه و قابل‌اعتماد باشد. به‌طور کلی ادبیات حج در زبان‌های مختلف در دنیای اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این متون در زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و اردو فراوان یافت می‌شود و دربردارندۀ نکات ارزشمندی در ارتباط با جغرافیای مکه و مدینه، شرح مسیر کاروان‌های حج و اطلاعات دیگری در این زمینه است. (نصر اصفهانی، 1393: 79)

«سفرحج، برای مسافر آن، سفری شیرین و پرجاذبه بوده است. بااین‌حال، به دلیل دشواری‌های فراوانش همواره پرماجرا و پرخاطره بوده و خاطرات تلخ و شیرین آن برای همۀ نسل‌ها جالب‌توجه و قابل‌مطالعه بوده است. در هر زمان، نسل جدیدی که ارادۀ سفر حج می‌داشت نیازمند تجربه‌های پیشینیان و پیرمردان بود و، از این جهت، نوعی حافظۀ تاریخی مداوم از این سفر در ذهنیت جامعۀ اسلامی پایدار مانده است». (جعفریان، 1389: 10)

کهن‌ترین سفرنامۀ حج فارسی سفرنامۀ ناصرخسرو قبادیانی است که سرشار از اطلاعات ارزشمندی از درخشان‌ترین دورۀ تمدن اسلامی است. ناصرخسرو در سفر هفت‌سالۀ خود چهار بار به سفر حج مشرف شد. ناصرخسرو در سفرنامه‌اش تنها به‌ ظاهر اعمال و شرح و معرفی دقیق اماکن توجه داشته و از فلسفۀ حج سخنی نگفته است. ازاین‌رو، این سفرنامه تنها ارزش معرفی دقیق از اماکن زمان مؤلف را دارد و نظر نویسنده دربارۀ فلسفۀ اعمال و مناسک حج را باید ازخلال اشعار او دریافت. (همان: 80)

اباذر نصر اصفهانی در مقاله‌ای به جمع‌آوری و معرفی مختصر سفرنامه‌های حج فارسی پرداخته و تعداد آن را حدود 350 مورد بیان کرده است. رسول جعفریان نیز در یک مجموعه کتاب هشت‌جلدی، با عنوان *سفرنامه‌های حج قاجاری*، پنجاه سفرنامۀ حج قاجاری را معرفی کرده است.

بیشترین تعداد سفرنامه‌های حج فارسی مربوط به دوران قاجار است که به عقیدۀ رسول جعفریان از چنان حجم گسترده‌ای برخوردار است که می‌توان عنوان «ادبیات حج» را بر آن اطلاق کرد. این انبوه سفرنامه‌های حج درواقع محصول نهضت سفرنامه‌نویسی است که در دوران قاجار به‌وجود آمد. (همان: 7)

از میان سفرنامه‌های حج این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

*ـ بیان واقع*؛ خواجه عبدالکریم کشمیری (1154ق)

*ـ تحفة الحرمین*؛ محمد رحیم‌الدین قادری (1203ق)

*ـ تذکرة الطریق*؛ حافظ محمد عبدالحسین کرناتکی (1230ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ محمدولی ‌میرزا قاجار (1260ق)

*ـ سفرنامۀ مکۀ معظمه*؛ میرزا جلایر (1260ق)

*ـ بزم غریب*؛ محمد علی‌بن محمد رضی بروجردی (1261ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ میرزا علی‌اصغرخان اعتمادالسلطنه (1263ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ سیف‌الدوله (1279ق)

*ـ گزارش سفر حج*؛ بانو شاه‌جهان ‌بیگم (1280ق)

*ـ حج منصور*؛ یعقوب ‌میرزای تبریزی (1285ق)

*ـ منازل قمریه در سوانح سفریه*؛ علی حسین‌بن خیرات علی (1289ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ فرهاد میرزا معتمدالدوله (1292ق)

*ـ الوجیزة في تعریف المدینة*؛ میرزا محمد مهندس (1292ـ1294ق)

*ـ هدایت الحجاج*؛ سید محمدرضا طباطبایی تبریزی (1296ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ نجم‌الملک (1296ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ حسام‌السلطنه (1297ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ عصمت‌السلطنه دختر فرهاد میرزا (1297ق)

*ـ سفرنامۀ منظوم حج*؛ محمدابراهیم مشتری طوسی (1297ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ میرزا عبدالحسین‌خان افشار (1299ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ رحمت‌اللّه‌بن ملا عاشور بخارایی (1303ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ محمدحسین فراهانی (1302ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ نایب‌الصدر شیرازی (1305ق)

*ـ سفرنامۀ مکه و عتبات*؛ میرزا عبدالمجید مجدی (1305ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ محمدرضا ظهیرالملک (1306ق)

*ـ روزنامۀ سفر حج*؛ بانو علویۀ کرمانی (1309ق)

*ـ حج‌نامه*؛ حاجی سلیم‌خان تکابی (1310ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ ملا ابراهیم کازرونی (1315ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ امین‌الدوله (1316ق)

*ـ سفرنامۀ شهاب*؛ عبدالسلام تربتی (1317ق)

*ـ روزنامۀ سفر عتبات و مکه*؛ وقارالدوله (1317ق)

*ـ سفرنامۀ مکۀ معظمه*؛ حاجی عبداللّه قراگوزلو (1319ق)

*ـ سفرنامۀ حج*؛ رئیس‌الذاکرین (1319ق)

*ـ سفرنامۀ مکۀ معظمه*؛ مخبرالسلطنه (1322ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ میرزا داود وزیر وظایف (1322ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ میرزا علی اصفهانی (1331ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ ابوالقاسم مرجانی (1331ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ محمدحسین منشی‌زاده (1339ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ سید فخرالدین جزایری (1340ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ ایازخان قشقایی (1340ق)

*ـ سفرنامۀ حج*؛ سید احمد هدایتی (1338ق)

*ـ سفرنامۀ مکه*؛ لطفعلی‌خان اعلایی (1348ق)

## سفرنامه‌نویسی در ادبیات عربی

سفرکردن از دوران بسیار کهن، یعنی پیش از ظهور اسلام، در میان قوم عرب رواج داشته است که غالباً به سبب آشنایی با سرزمین‌های دیگر ازجمله هند، افریقا، یمن، شام و عراق و برقراری روابط تجاری انجام می‌شده است. با وجود این، اخبار این دست سفرها تنها به‌طور پراکنده در کتب شعر و لغت نقل شده است (قندیل،2002: 25). شوقی ضیف مهم‌ترین انگیزۀ عرب‌ها از سفر را انگیزه‌های سیاسی، دینی و اقتصادی می‌داند. (ضیف، 1956: 9)

پس از ظهور اسلام نیز سفرها گسترش و تنوع بیشتری پیدا کرد. به‌ویژه اینکه خداوند بارها در قرآن کریم مسلمانان را به سفر و سیر در آفاق وانفس فراخوانده است (قندیل،2002: 25). مهم‌ترین اغراض سفر بعد از اسلام عبارت بوده از علم‌آموزی، انگیزه‌های دینی مانند تبلیغ دین یا ادای مناسک حج، تجارت و مسائل سیاسی. (محمد بادشاه، 2013: 25)

با تحقیق در متون تاریخی آشکار می‌شود که کهن‌ترین سفرهای قوم عرب به خارج از شبه‌جزیره از راه‌های دریایی و غالباً با هدف تجارت و به‌ندرت به قصد سیاحت یا ماجراجویی صورت گرفته است. این سفرنامه‌ها به شکل کنونی نگاشته و تدوین نشده و تنها در برخی منابع تاریخی قرن سوم به آن‌ها اشاره شده است. بنابراین، قرن سوم هجری را می‌توان نقطۀ آغازین ادبیات سفرنامه‌ای در تاریخ ادبیات عربی به‌شمار آورد. (همان: 37)

از مهم‌ترین سفرنامه‌نویسان قرن سوم می‌توان به هشام الکلبی، سلام الترجمان، موسی المنجم، أبوالعباس یعقوبی، ابن خردادبه و ابن رستة اشاره کرد.

سفرها به دلیل گسترش اسلام در عصر فتوحات و سپس در عصر عباسی که دوران استقرار و شکوفایی تمدن اسلامی بود به اوج خود رسید (قندیل، 2002: 25). از مهم‌ترین سفرنامه‌های این دوره می‌توان به سفرنامۀ مسعودی صاحب *مروج الذهب*، ابن فضلان، ابن سلیم الأسوانی، ابن حوقل، اصطخری، أبوزید بلخی، قدامة‌بن جعفر، ابوریحان بیرونی، ادریسی، ابن جبیر و أسامة‌بن منقذ اشاره کرد.

در دورۀ میانه، یعنی بعد از عصر عباسی تا آغاز عصر نهضت، نیز به دلیل فضای حاکم بر سرزمین‌های عربی و، به تبع آن، کاهش سفرها سفرنامه‌های چندانی نوشته نشده است. سفرنامۀ ابن بطوطه و سفرنامۀ ابن خلدون از مهم‌ترین سفرنامه‌های این دوره‌اند (محمد فهیم، 1989: 95). از مهم‌ترین اسباب کاهش سفر در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. مشکلات اقتصادی رایج در سرتاسر قلمروی اسلامی؛

2. رکود فرهنگ و تمدن اسلامی؛

3. برچیده‌شدن حاکمیت اسلام از اسپانیا؛

4. تضعیف خلافت مرکزی و نزاع دولت‌های منطقه‌ای برای کسب قدرت؛

5. آغاز اکتشافات جدید ازجمله کشف قارۀ امریکا و آغاز دوران شکوفایی تمدن اروپایی. (محمد بادشاه، 2013: 44)

از دوران نهضت یعنی از قرن 13ق/18م، که زمینۀ ارتباط جهان عرب با دنیای غرب فراهم شد، سفر به غرب و به‌ویژه اروپا رواج چشمگیری یافت. این جریان به شکل‌گیری آثار ادبی ارزشمندی ازجمله سفرنامه‌ها، داستان‌ها و جریان‌های فکری نقادانه در قبال مسئلۀ تقابل شرق و غرب منجر شد (محمد فهیم، 1989: 90). نقطۀ آغاز این نوع سفرنامه‌نویسی را می‌توان اثر معروف رفاعه رافع الطهطاوی با عنوان *تخلیص الإبریز فی تلخیص باریز* به‌شمار آورد. از دیگر سفرنامه‌نویسان برجستۀ جهان عرب در این دوره، می‌توان به محمد عبداللّه عنان، داود برکات، محمد فرید، شیخ ناصر محمد العبودی، امین الریحانی، طه حسین، توفیق الحکیم، احمد فارس الشدیاق، خیرالدین التونسی، ابراهیم عبدالقادر المازنی، محمد لطفی جمعه، شکیب ارسلان، محمدحسین هیکل اشاره کرد.

مهم‌ترین هدف سفرنامه‌نویسی، در این دوره، کشف علل و جنبه‌های پیشرفت غرب برای کمک به پیشرفت شرق بوده است. با وجود کثرت و رواج سفرنامه‌نویسی در این دوره، به علت نبود صنعت چاپ، بسیاری از سفرنامه‌هایی که به صورت دست‌نویس نوشته شده بود مفقود شده و مواردی که باقی مانده غالباً به اهتمام مستشرقان اروپایی تحقیق و چاپ شده است. (همان: 95)

### سفرنامه‌های حج عربی

همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، بعد از ظهور اسلام یکی از انگیزه‌های اصلی سفر، در میان عرب‌ها، برپایی مناسک حج بوده است. بنابراین، نگارش سفرنامه‌های حج در ادبیات عربی پیشینه‌ای کهن دارد.

از جملۀ این سفرنامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ سفرنامۀ ابن جبیر أندلسی با نام *تذکرة الأخبار عن اتفاقات الأسفار* (528ـ607)؛ سفرنامۀ وی معروف بوده و بارها چاپ شده است.

ـ سفرنامۀ ابن بطوطه با نام *تحفة النظار فی غرائب الأمصار وعجائب الأسفار* (703ـ779).

ـ سفرنامۀ خالدبن عیسی‌بن أحمد البلوی الأندلسی؛ وی در سال 738 به سرزمین وحی مشرف شده و نام سفرنامۀ وی *تاج المفرق فی تحلیة أهل المشرق* است.

ـ سفرنامۀ خلیل ایبک الصفدی (متوفای 764)؛ وی نویسندۀ کتاب معروف *الوافی بالوفیات* است. نام سفرنامۀ وی *الحقیقة والمجاز إلی الحجاز* است. نسخۀ آن در کتابخانۀ عارف حکمت هست و گویا نسخه‌ای هم در دارالکتب المصریه از آن موجود است.

ـ سفرنامۀ محمدبن عمربن رشید الأندلسی (657ـ721).

ـ سفرنامۀ محمدبن محمد علی العبدری؛ وی در سال 689ق به سفر حج مشرف شده است. نسخۀ کاملی از این سفرنامه شناخته نشده است. بخشی از آن را عبدالحفیظ منصور در 557 صفحه چاپ کرده است. ناشر آن *دارالعربیة للکتابِ* تونس است.

ـ سفرنامۀ محمدبن عمربن رُشَید فهری بستی اندلسی (657ـ721ق)؛ او از مصر و شام و حجاز دیدار کرد و ازطریق شام در 23 ذی‌القعدۀ سال 684ق به مدینه منوره رسید و پس از ادای فریضۀ حج در 28 ذی‌الحجه سال 684ق از مدینه بازگشت و از عقبه در 25 محرم سال 685ق گذشت و به ساحل رسید. با آنکه علمای پیشین به سفرنامۀ ابن رشید که آن را *مل‌ء العیبة، فیما جمع بطول الغیبة*، *فی الوجهتین الکریمتین إلی مکة وطیبة* نام نهاده بود توجه و عنایت خاصی داشتند، لیکن همۀ آن ــ که از مفصل‌ترین و کامل‌ترین سفرنامه‌هاست ــ به دست ما نرسیده است و بخش‌های به‌جامانده ظاهراً به خط خود مؤلف است.

ـ سفرنامۀ تجیبی اثر قاسم‌بن یوسف‌بن علی بستی تجیبی (670ـ730ق)؛ وی در سال 696 ازطریق دریا به مکه مشرف شد. او از عیذاب حرکت کرد و پس از 24 روز سفر دریایی در 8 رمضان آن سال به بندر ابحر یکی ازبنادر جده رسید. اکنون نسخۀ کاملی از این سفرنامه موجود نیست، بلکه تنها بخشی از آن به‌جا مانده است که از توصیف شهر قاهره شروع و به اقامت در منا ختم می‌گردد. این بخش را عبدالحفیظ منصور تحقیق و در 557 صفحه در تونس چاپ و منتشر کرده است.

ـ سفرنامۀ ابوالحسن علی قلصادی اندلسی (متوفای 891ق)؛ وی از راه دریا در ماه شعبان سال 851ق به جده رسید و پس از ادای فریضۀ حج در محرم سال 852ق به مصر رسید.

ـ *سفرنامۀ الدرر الفرائد المنظمة* اثر شیخ محمدبن عبدالقادر جزیری مصری حنبلی (متوفای944ق)؛ این کتاب آمیخته‌ای از تاریخ و سفرنامه است.

ـ سفرنامۀ *هشتوکی* اثر احمدبن محمدبن داود الجزولی الهشتوکی (1096م)؛ در اصل سفرنامه‌ای به‌صورت خطی بوده که محمدبن ابراهیم کتانی آن را از هشتوکی دانسته، اما حمد الجاسر تاریخ 1099 را در آن دیده است. بااین‌حال، اظهار داشته که خالی از فایده نیست.

ـ سفرنامۀ *ناصری* اثر احمدبن محمدبن ناصر درعی (1057ـ1129ق)؛ این سفرنامه از کامل‌ترین و مفیدترین سفرنامه‌ها به‌شمار می‌رود و مؤلف در نوشتن آن بر سفرنامه استاد و أبوسالم عیاشی ــ که او را پیشوای رحالان معرفی می‌کند ــ تکیه کرده است. نویسنده چهار بار به مکه سفر کرد و حج گزارد که نخستین این سفرها در سال 1121ق بود. این سفرنامه با چاپ سنگی در دو جلد (شامل 442 صفحه) در شهر فاس به سال 1320ق منتشر شده است.

ـ سفرنامۀ نابلسی اثر عبدالغنی‌بن اسماعیل نابلسی دمشقی (1050ـ 1143ق)؛ وی کتاب‌های بسیاری در علوم مختلف روزگار خود نوشت که از آن‌ها، آنچه به این بحث مربوط می‌شود، سفرنامه‌های سه‌گانۀ اوست.

ـ سفرنامۀ ابوالبرکات اثر عبداللّه‌‌بن حسین سویدی بغدادی (1104ـ 1174ق)؛ این سفرنامه‌ *النفحة المسکیة فی الرحلة المکیة* نام دارد.

ـ سفرنامۀ محمدبن عبدالسلام‌بن عبداللّه ناصری درعی (متوفای 1239ق)؛ وی از خاندان نامدار و اهل علم و معرفت بود. او دو بار حج به‌جا آورد و نخستین‌‌بار در سال 1196ق و دومین بار در سال 1211ق سفر اول را مفصل نوشته است و سفر دوم را مختصر. نسخۀ آن در رباط موجود است.

ـ سفرنامۀ ادریس‌بن عبدالهادی العلوی الحسنی الفاسی (متوفای 1331)؛ سفرنامۀ وی سفرنامۀ مختصری است که نسخۀ آن در کتابخانۀ رباط موجود است.

ـ سفرنامۀ محمدبن محمد المزواری التامراوی مغربی؛ وی در سال 1242 به حج مشرف شده است. سفرنامۀ وی به‌طور کامل در کتاب *المعسول* (المختار السوسی، ج 7: ص 197) آمده و گرچه مختصر است، اما خالی از فایده نیست.

ـ سفرنامۀ عبدالمجید بن علی الحسنی الإدریسی (وفات 1163)؛ نام کتاب وی *بلوغ المراسم بالرحلة إلی بیت اللّه الحرام* است. سفر وی در سال 1148 بوده و نسخۀ آن در کتابخانۀ عمومی در شهر رباط موجود است. وی از سفرنامۀ عیاشی فراوان استفاده کرده است.

ـ سفرنامۀ محمدبن الطیب‌بن کسیران فاسی (وفات 1314ق)؛ وی در سال 1293ق به مکه مشرف شد و فریضۀ حج به‌جا آورد. آن‌گاه مشاهدات خود را در سفرنامه‌اش گزارش کرد و آن *را الرحلة الفاسیة الممزوجة بالمناسک المالکیة* نام نهاد. او ازطریق دریا و با کشتی این مسیر را طی کرد. این سفرنامه در شهر فاس (شهری در کشور مراکش) چاپ شده است و نسخۀ خطی آن در کتابخانۀ شهر رباط موجود است.

ـ سفرنامۀ حمیدی؛ مؤلف آن اسماعیل حمیدی مالکی (و احتمالاً از اهالی مصر) است که در قرن سیزدهم می‌زیست و